

Level 3

The Seed Savers

Author: Bijal Vachharajani

Illustrator: Jayesh Sivan

Translator: mosayeb shirani

دخیره کنندگان بذر

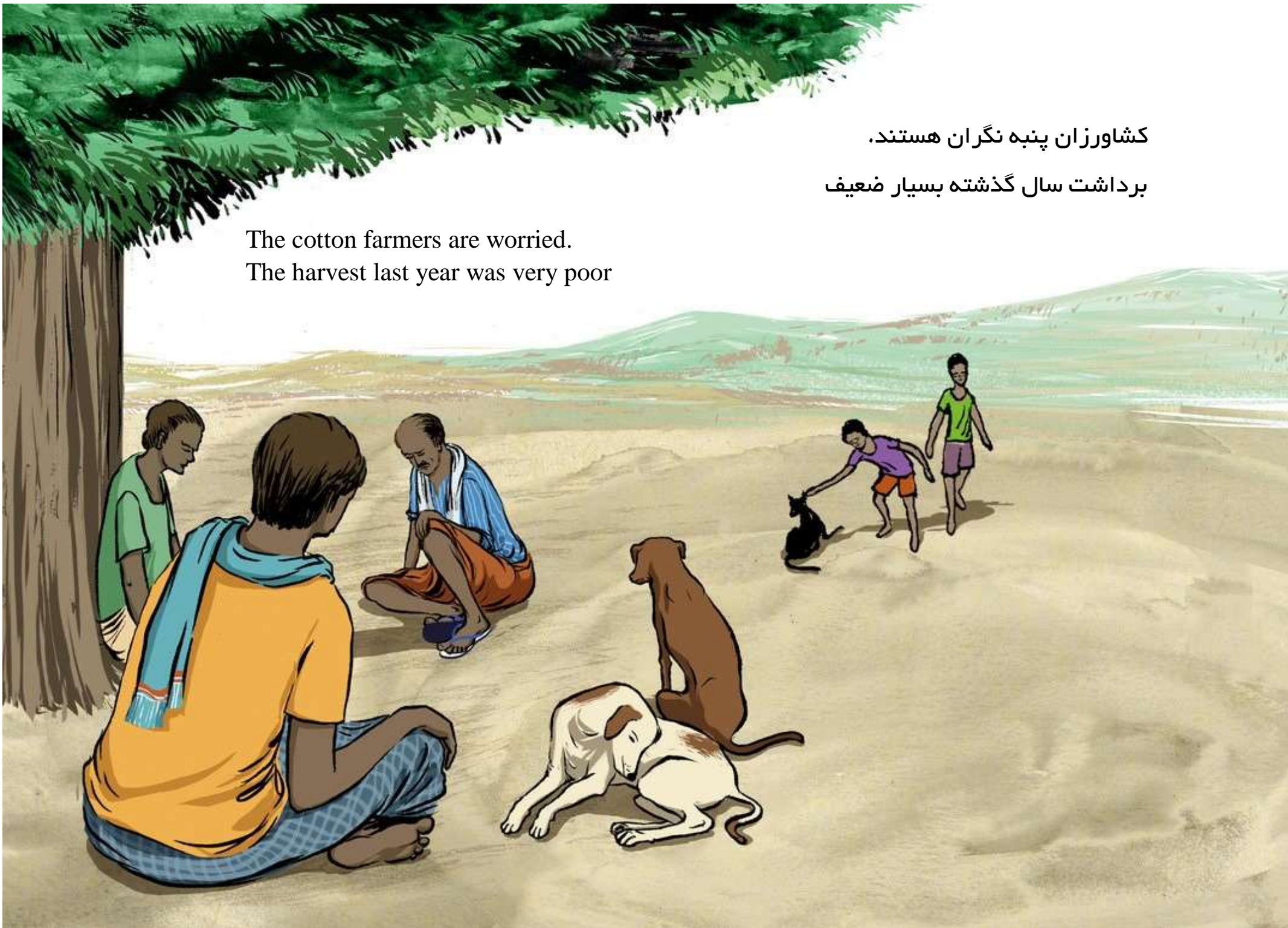
نویسنده: بیژال واکھراجانی تصویرگر: جیش سیوان

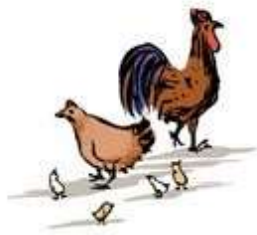
مترجم: مصیب شیرانی



کشاورزان پنبه نگران هستند.
برداشت سال گذشته بسیار ضعیف

The cotton farmers are worried.
The harvest last year was very poor





Now it's summer, time to sow the cotton seeds. But in their village, it's hard to get enough local and organic seeds. "What to do? What to do?" Bijay wonders. "We have a BIG problem."

اکنون فصل تابستان فرا رسیده است، زمانی که باید دانه‌های پنبه را بکارند. اما در روستای آنها، گرفتن دانه های محلی و ارگانیک مورد نیاز دشوار است. "چه کار کنیم؟ چه کار کنیم؟" بیجای تعجب می کند "ما یک مشکل بزرگ داریم."



“The seeds in the market cost too much!” says Nabita.

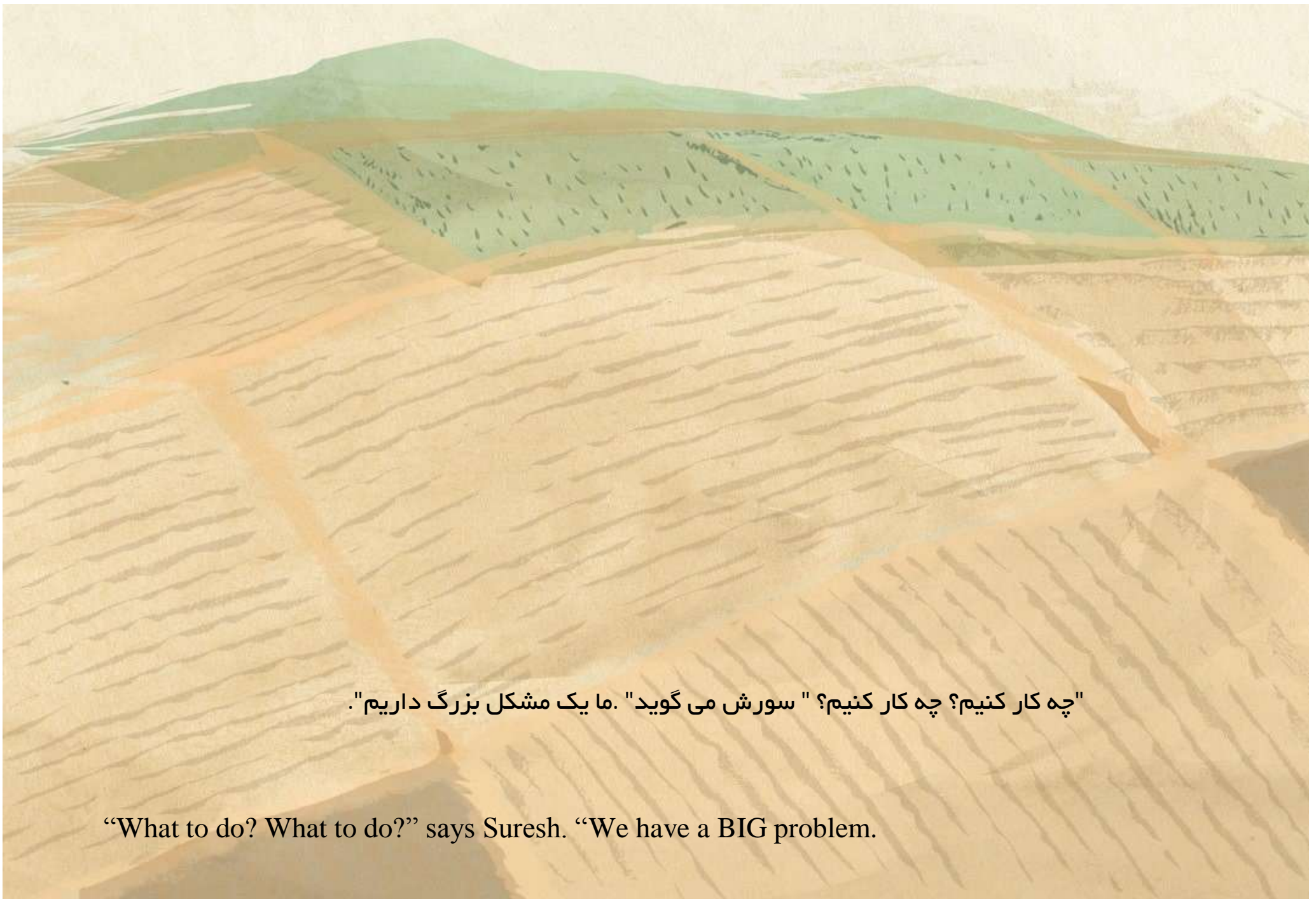
“Those seeds need pesticides and chemicals to grow,” says Ketaki.

“We want seeds that grow happily here, seeds that are best for our home soil and weather,” says Bijay.

“نابیتا می گوید: ”دانه های موجود در بازار خیلی گران اند.

کتاکی می گوید: ”این دانه ها برای رشد به سموم دفع آفات و مواد شیمیایی نیاز دارند.“

بیژای می گوید: ”ما بذرهایی را می خواهیم که با خوبی در اینجا رشد کنند ، بذرهایی که برای خاک و آب و هوای خانه ما مناسب هستند.“



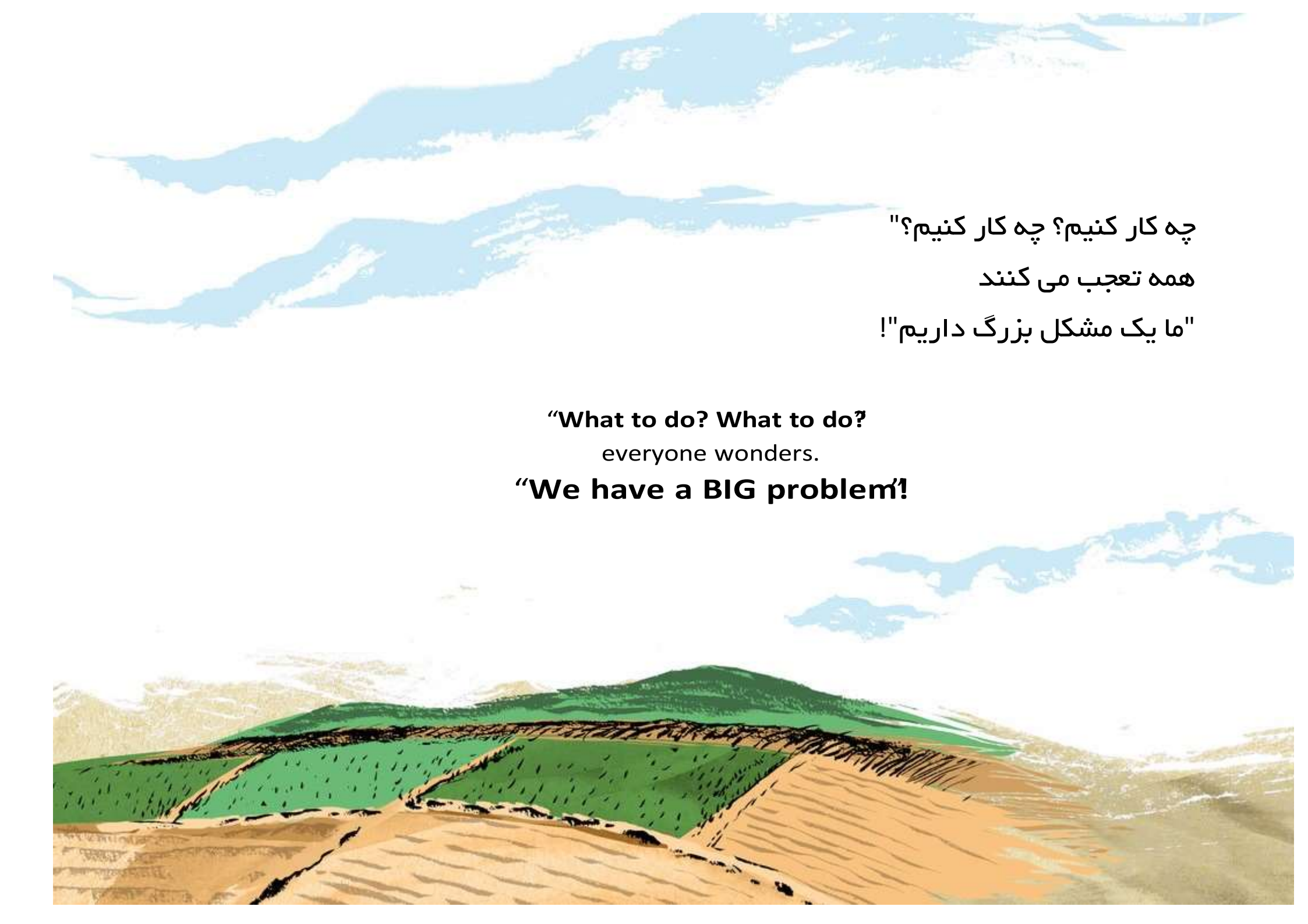
"چه کار کنیم؟ چه کار کنیم؟" سورش می گوید. "ما یک مشکل بزرگ داریم."

"What to do? What to do?" says Suresh. "We have a BIG problem."



Nabita and Ketaki are part of a group of women farmers. They hold meetings. They meet the village head. They talk to farmers' groups.

نابیتا و کتاکتی بخشی از گروهی از زنان کشاورز هستند.
آنها جلساتی برگزار می کنند.
آنها با رئیس دهکده ملاقات می کنند.
آنها با گروه های کشاورزان صحبت می کنند."



چه کار کنیم؟ چه کار کنیم؟"
همه تعجب می کنند
"ما یک مشکل بزرگ داریم!"

"What to do? What to do?"
everyone wonders.
"We have a BIG problem!"

After many days of talking, everyone looks happy.

“We know what to do,” says Nabita. “No problem is too BIG. We will start a bank!”

“How will a bank help us?” asks Bijay.

“Not a bank of money. A bank of seeds,” says Ketaki.

بعد از روزها صحبت کردن ، همه خوشحال به نظر می رسند.

نابیتا می گوید: "ما می دانیم چه کنیم" .مشکلی بیش از حد

بزرگ نیست .ما یک بانک راه اندازی خواهیم کرد" !

"چگونه یک بانک به ما کمک می کند؟" از بیجی می پرسد. کتاک

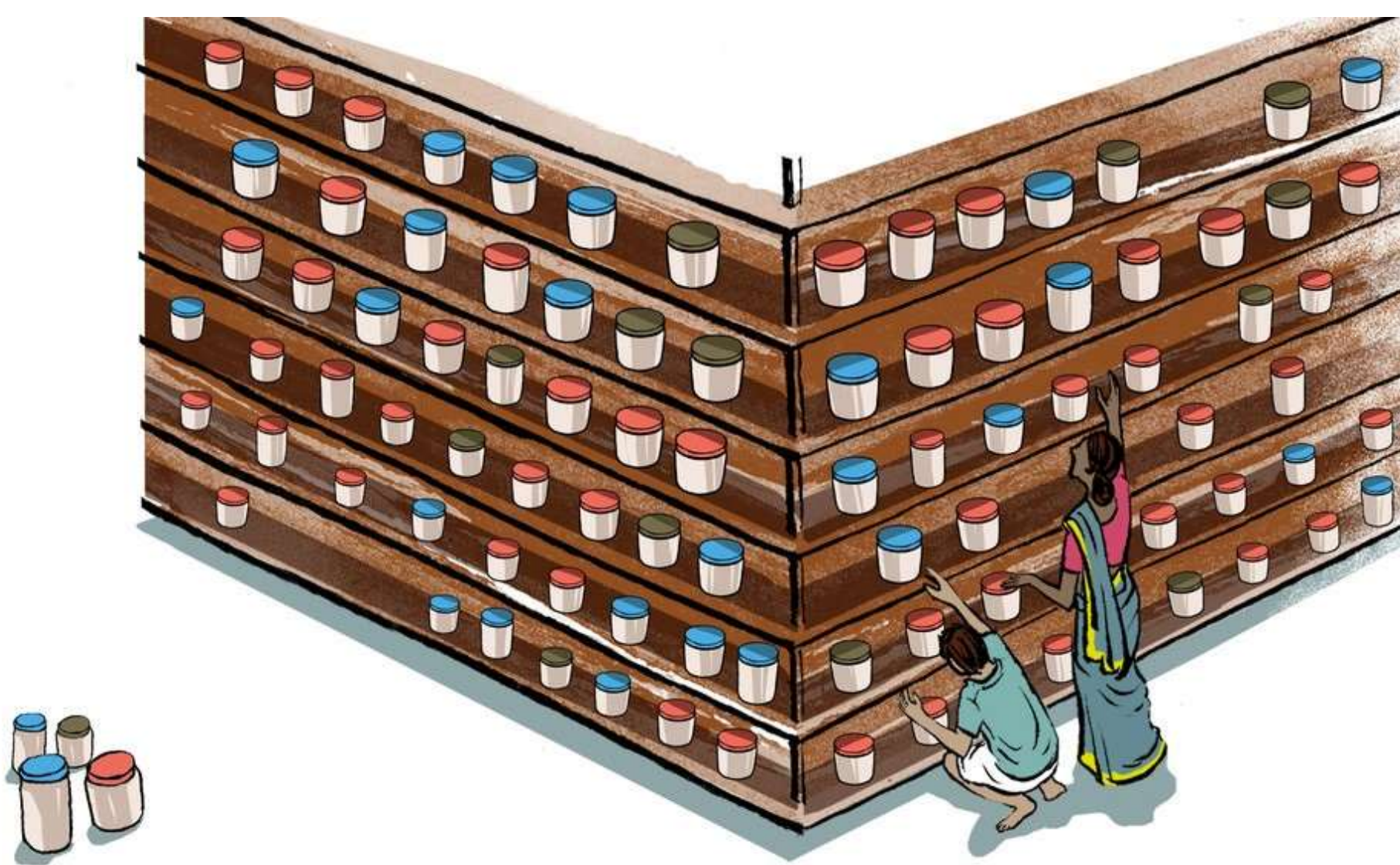
می گوید: "نه یک بانک پول .یک بانک دانه ، "می گوید.



کشاورزان برای راه اندازی یک بانک بذر جمع می شوند.
آنها اندک بذر های موجود در خانه را سپرده می کنند.

The farmers come together to start a seed bank.
They deposit the few seeds they have at home.





A seed bank works just like a bank!
People go to a bank to save their money.
At the seed bank, farmers save seeds!

یک بانک بذر درست مثل یک بانک کار می کند!
مردم برای پس انداز پول خود به یک بانک مراجعه می کنند.
در بانک بذر ، کشاورزان بذر را ذخیره می کنند!



Old seeds
Local seeds
Organic seeds
Cotton seeds
Ladies' fingers seeds
Pumpkin seeds
Paddy seeds
Millet seeds
Red gram seeds
So many seeds to save.



دانه های قدیمی
دانه های محلی
دانه های ارگانیک
دانه های پنبه
تخم بامیه
دانه کدو تنبل
دانه های برنج
دانه های ارزن
دانه های فلفل قرمز
بذرهای زیادی برای پس انداز
کردن

Sumati borrows one kilo of cotton seeds from the bank. Nabita carefully notes it down in a register. Krupa deposits one kilo of paddy seeds into the bank. Ketaki carefully stores the seeds in a pot.

سوماتی یک کیلو دانه پنبه را
از این بانک وام می گیرد.
نابیتا آن را با دقت در یک فرم
یادداشت می کند.
کارپا یک کیلو دانه برنج را به
بانک واریز می کند.
کتاکی دانه ها را با دقت در
شیشه ذخیره می کند



The seeds are sown and watered.
The monsoon comes and goes.

دانه ها کاشته شده و سیراب می شوند.
باران های موسمی می آید و می رود.



زمان برداشت است!

It's harvest time!



The farmers get a good crop of cotton this year.
They celebrate with their friends.

کشاورزان امسال محصول خوبی از پنبه برداشت می کنند.
آنها با دوستانشان جشن می گیرند.



Sumati gains more cotton seeds from the harvest.

She repays her seed loan with interest, by depositing one-and-a-half kilos of cotton seeds into the bank.

Ketaki carefully notes this down in the register.

Nabita carefully stores the seeds in the pot.



سوماتی دانه پنبه بیشتری از برداشت به دست می آورد.
وام بذر خود را با بهره بازپرداخت می کند.
یک و نیم کیلو دانه پنبه به داخل بانک.
کتاکی این موارد را در ثبت نام به دقت یادداشت می کند.
نابیتا با دقت دانه ها را در شیشه ذخیره می کند.

The seed bank now has lots and lots of seeds.
Seeds for the next year.
Seeds for the year after that.
And the year after that!
The cotton farmers no longer have a BIG
problem.
Because their seed bank is VERY BIG!
The seeds are everywhere,
in the bank and in the field!

بانک بذر اکنون دانه های زیادی دارد.
بذر برای سال آینده دانه های برای سالهای بعد.
و سال بعد از آن!
کشاورزان پنبه دیگر مشکل بزرگ ندارند.
از آنجا که بانک بذر آنها بسیار بزرگ است!
دانه ها همه جا هستند ،
در بانک و در زمین!



The Seed Bankers

We need seeds to grow food and fibre for clothes. But seeds can cost a lot. Some seeds, called hybrid seeds, cannot be replanted after the harvest and have to be thrown away. Some seeds need chemicals to grow. These are genetically modified seeds. Then there are seeds that may be from another part of the world and not suited to the soil of your region.

بانک بذرها

ما برای تولید مواد غذایی و الیاف برای لباس به دانه احتیاج داریم. اما بذرها می توانند هزینه های زیادی داشته باشند. بعضی از دانه ها ، به نام دانه های ترکیبی ، پس از برداشت محصول قابل پیوند نیستند و باید دور ریخته شوند. بعضی از دانه ها برای رشد به مواد شیمیایی احتیاج دارند. اینها بذور اصلاح شده ژنتیکی هستند. گاهی نیز دانه هایی وجود دارد که ممکن است از بخش دیگری از جهان باشد و متناسب با خاک منطقه شما نیست.





By saving local and organic seeds that do not need chemicals to grow, farmers don't need to buy seeds from the market. Just like a regular bank, they can deposit seeds. They can borrow them, and repay the loan with extra seeds!

با صرفه جویی در بذرهای محلی و ارگانیک که نیازی به مواد شیمیایی برای رشد ندارند، کشاورزان نیازی به خرید بذر از بازار ندارند. درست مانند یک بانک معمولی، آنها می توانند بذر سپرده گذاری کنند آنها می توانند آنها را وام بگیرند و وام را با بذر اضافی بازپرداخت کنند!

This story has been inspired by Maa Lankeshwari Seed Bank in Bhimdanga village in Odisha in India. A group called Chetna Organic helped farmers start a seed bank to save their cotton and other seeds.

این داستان با الهام از بانک بذر مالانک شاورى در روستای بهیم دانگاه در ادیشا در هند نوشته شده است. گروهی به نام چانات ارگانیک، به کشاورزان کمک کردند تا یک بانک بذر را برای صرفه جویی در بذر پنبه و سایر دانه های خود ایجاد کنند.



Many farmers in India and around the world have come together to form seed banks to save seeds. Often, women run seed banks. They are called Seed Bankers or Seed Guardians, because they protect seeds.

بسیاری از کشاورزان در هند و سراسر جهان گرد هم آمده اند تا بانک های بذر را برای ذخیره بذر تشکیل دهند. اغلب ، زنان بانک های بذر را اداره می کنند. به آنها بانک بذر یا نگهبان بذر گفته می شوند ، زیرا از بذر محافظت می کنند.





There is also a bank for the world's seeds in the cold and remote Arctic region. It's called the **Svalbard Global Seed Vault**. Here, you can find over 8,30,000 kinds of seeds from all over the world

همچنین یک بانک برای دانه های جهان در منطقه سردسیر و دورافتاده قطب شمال وجود دارد. به نام خزانه جهانی بذر سواالبارد نامیده می شود. در اینجا، شما می توانید بیش از ۸۳۰،۰۰۰ انواع بذر از سراسر جهان پیدا کنید

بانک جهانی بذر یا دانه سواالبارد (Svalbard Global Seed Vault) مخزن انبار دانه‌های مختلفی از سرتاسر جهان است که در جزیره اسپیتزبرگن بنا شده که در انبارهای غار مانند و زیرزمینی آن تنوعی گسترده از دانه‌ها و بذرهای گیاهان برای روزهای نیاز، نگهداری می‌شوند.

این بانک بذر بزرگ در جزیره‌ای دورافتاده در مجمع‌الجزایر سواالبارد نروژ در فاصله هزار و ۳۰۰ کیلومتری از قطب شمال واقع شده است.

دانه‌هایی که در این مرکز جمع‌آوری و نگهداری می‌شوند نسخه‌های تکثیرشده و یا کپی شده از دانه‌هایی هستند که در بانک‌های ژن سرتاسر جهان وجود دارند.

این ذخایر تلاشی برای اطمینان از تامین بودن ذخایر دانه‌های جهان در صورت نابودی ناگهانی دیگر ذخایر در بانک‌های ژنتیکی است، همچنین در صورت وقوع فاجعه منطقه‌ای یا جهانی گسترده می‌توان از این انبار به عنوان پشتوانه‌ای برای کشاورزی استفاده کرد.